

منم ودلی و آهی ره تو درون این دل...

فراق بهروایت زائران پیاده اربعین حسینی که کرونا پای رفتنشان را گرفته است

گروه جامعه

۱۷ سال پیش که حزب بعث عراق سقوط کرد، آیین پیاده‌روی اربعین بار دیگر احیا شد. از آن سال به بعد هر ساله جمعیت عشاق بیشتر و بیشتر شده تا رسیده به بیش از ۲۰ میلیون زائر پیاده. این یعنی امسال که به خاطر کرونا پیاده‌روی اربعین تعطیل شده، بیش از ۲۰ میلیون دل، بقرار قدم قدم، رسیدن به یار است. همین ببقاراری را بهانه‌ای کردیم تا چند نفر از زائران پیاده اربعین، اینجا و از دل مشهد، شهر آقا امام(رضاع) به آقا امام حسین(ع) سلام بدهند.

محمد مهدی خالقی

فیلم ساز

من به روایتی دوبار به پیاده‌روی اربعین رفته‌ام و به روایتی سه‌بار. یک‌بار برای ساخت فیلم مستند از گروهی رفتن که اتفاق خوبی را در اربعین رقم می‌زدند؛ آن‌ها تعدادی عروسک و اسباب‌بازی برای کودکان مسیر پیاده‌روی اربعین ساخته بودند و به بچه‌ها هدیه می‌دادند و ما در بارشان یک فیلم کوتاه ساختیم. آن‌بار به‌طور کامل مسیر را پیاده طی نکردم، دوست داشتم مثل بقیه مردم به این سفر بروم؛ همین بود که دو سال بعد با خانواده عازم شدیم و این مسیر را طی کردیم.

پیاده‌روی اربعین سفری فراموش‌نشدنی و تکرار‌نشدنی است؛ یک برش و نمونه‌ای است از آن چیزهایی که ما اعتقاد داریم در آخرالزمان بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) اتفاق می‌افتد و به ما وعده داده شده است. اما روایت‌بار سوم برمی‌گردد به سال پیش که برای پیاده‌روی به‌عراق رفتم. اما به شکل دیگری در مسئله پیاده‌روی اربعین شریک بودم. پارسال با کمک یکی از دوستان و جمعی از بچه‌های هنرمندزاهدان، به این منطقه رفتیم برای استقبال از زائران پیاده پاکستانی که مسیر عبورشان ایران است و در زاهدان اقامت کوتاهی دارند. هدف، آموزش و همراهی با

برشی از آخرالزمان

بچه‌های هنرمند زاهدانی بود و اینکه فیلم مستندی از این واقعه ساخته شود، تجربه شیرینی بود، زیرا در حقیقت یک نوع مشارکت در پیاده‌روی اربعین بود و می‌شد مسئله جهانی اربعین را از یک زاویه متفاوت دید؛ مسئله‌ای که زوایا، قصه‌ها و روایت‌های بسیاری در سراسر جهان دارد و آن مرحله نهایی‌اش در عراق اتفاق می‌افتد. اما امسال هم که نمی‌توانیم به چنین سفری برویم، به نظر می‌رسد خود فراق زیارت اربعین باعث می‌شود که ما قدرش را بدانیم و فکر کنیم به این ثروت و گنج، به این بهشتی که در آن حضور داشته‌ایم و برای سال‌های بعد برنامه‌ریزی و سعی

بسم رب‌الحسین، سفر اربعین با همه جذابیت‌ها و حال خوب پیاده‌روی‌اش، امسال به آرزویی دست‌نیافتنی تبدیل شده و داغش را بر دل همه مان گذاشته است، داغی که التیامی ندارد و مسال دل خوش کرده‌ایم به روضه‌ها و سلام‌های از راه دور. مزه آن روزهای گرم و سخت و پرتاول و خستگی‌های مفرط پیاده‌روی از خاک پدري به عرش خدا، هنوز به وضوح زیر دندانمان است و هروقت سلامی رو به کربلا می‌دهیم، همه وجدمان از این فراق آتش می‌گیرد. اما این ماییم و تکلیف این روزهایمان، تکلیفی که عقل ما به اقتضای شرایط موجود صادر می‌کند و ما به‌خوبی می‌فهمیم که بزرگان و علمای ما بر چه مبنایی منع از سفر می‌کنند. درست است که در روایات به حضور در مکان‌های مقدس، به‌ویژه حرم سیدالشهدا(ع) بسیار تأکید شده است، از آن بیشتر، به ارتباط قلبی و روحی محبان اهل‌بیت(ع) با ایشان اشاره شده که این نکته زمان و مکان نمی‌شناسد و در هر زمانی، با هر مسافتی به ما این اجازه را می‌دهد که به انمه هدی متوسل



دیگر برایت عادی شده بود. شیطان بود یا هر چیز که می‌خواهی اسمش را بگذاری، یک ماه مانده به اربعین، خاطرات پیاده‌روی سال‌های گذشته را پیش چشمتم می‌آورد. مثلا زخم و تاول پاها که ساده‌ترین سختی این راه بود و نمی‌گذاشت درست‌را در بروی ما مثلا آن دفعه که زیر باران ماندی و تب و لرز، روی جسمتم چپره زده بود و بنای بر خاستن هم نداشت. یا آن دفعه که اعضای کاروان یکی یکی با علائمی مشابه به بستر بیماری می‌افتادند و چند روزی زمین گیر می‌شدند. یا آن شب که از زور خستگی نای راه رفتن نداشتی و موکب خالی پیدا نمی‌شد یا آن روز که راه را هم کرده بودی...

صدایی که منبعش را نمی‌شناختی فیلم‌ها را از با یگانی

حال خوب است، اما تو باور نکن

ذهنت بیرون می‌آورد و صحنه‌ای را نشانمت می‌داد که حرم اباعبدا... (ع) جای سوزن انداختن نداشت و چشم‌های به‌اشک‌ننشسته‌ات، حسرت حضور زیر قبه حضرت را مرور می‌کرد. دست آخر هم پیشنهاد می‌داد که بی‌خیال سفر شو، خدایی که خداست شاید در فرصتی بهتر، زیارتی به دور از ازدحام را نصیبت کند. نفس آوازه بود یا هر چیز که می‌خواهی اسمش را بگذاری، یک ماه مانده به اربعین، خاطرات پیاده‌روی سال‌های گذشته را پیش چشمتم می‌آورد؛ مثلا میزبان‌هایی که فقر از سر و روی زندگی‌هایشان می‌بارید، باین حال به عشق اباعبدا... (ع) (روی فرششان سفره

می‌انداختند، بهترین‌هایی را که در توانشان بود، پیش روی می‌گذاشتند و با زیان اشاره التماس می‌کردند که بفرما. یا مثلا آن دخترک که با عبا و روسری مشکي مندرس در مسیر پیاده‌روی زوار ایستاده بود و توی سینی‌اش مقداری نان خشک دیده می‌شد. مردم چه خوب معنی اخلاصش را می‌فهمیدند و برای برداشتن نان‌های متبرکش سسر و دست می‌شکستند. یا مثلا هم‌کیشانی که زیانت را نمی‌دانستند و تا می‌دیدند از خستگی، نای برداشتن کوله‌پشتی‌ات را نداری، ناگفته به یاری‌ات می‌آمدند. یادت هست عمودهایی را که شمارشان بالا می‌رفت و اشک‌هایی که رو تان از قبل

روی چهره‌ها جاری بود؟ یا مثلا زیارت عاشوراهايي که زمزمه‌شان شب و روز نمی‌شناخت و از تو، آدم دیگری ساخته بود؟ پیاده‌روی‌های شبانه، خلوت‌های بی‌نظیر، زیارت انمه نجف، سامرا، کاظمین، کربلا و باز هم کربلا... امسال، کار به کشمکش این دو نکشید که اگر می‌کشید باز هم دومی برنده می‌شد و عازم می‌شدی به سفری پررنج با حلاوتی عجیب‌و غریب که گفتنش به زبان نمی‌آید. عازم می‌شدی اگر خدا می‌خواست و خدا نخواست، بی‌آنکه چرایش را بدانی چیزی که برایت مانده است یک مشت حسرت است یا چاشنی بغض. بگذریم. حال من و دیگر جاماندگان پیاده‌روی اربعین خوب است اما تو باور نکن.

سعید شجری، ۳ نوبت زیارت

امسال زائر امام حسین (ع) زمان باشی

ان الحسین مصباح‌الهدی و سفینه‌النجاه امسال به دلیل ویروس کرونا توفیق پیاده‌روی اربعین و زیارت عتبات عالیات از محبین و مشتاقان امام حسین(ع) سلب شد؛ حال که این توفیق عظیم از ما سلب شده است، چگونه با اهل بیت عصمت و طهارت مواسات داشته باشیم؟ توفیق راهپیمایی اربعین نداشتیم، اما توفیق قدم برداشتن برای خدمت‌رسانی به امام زمان عجل... تعالی فرجه‌الشریف از ما گرفته نشده و راهش بسته نیست.

برای التیام قلب اندوه‌بار حضرت مهدی(عج)، روحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، هزاران راه هست که باید بجویم و ببوییم آن‌ها را.

مثلا می‌شود به‌اندازه هزینه سفر کربلا برای امام زمان (عج) خرج کنیم. می‌توان با انجام کارهای فرهنگی و برپایی یک موکب یا یک مجلس فرهنگی، مخصوصا در حاشیه شهر مشهد که به‌شدت نیازمند امور معنوی هستند، به آن‌ها خدمت کرد و با اهدای بسته‌های فرهنگی یا برگزاری مسابقات فرهنگی، بذر محبت به امام حسین(ع) و اولاد معصومش را در دل، بیش از پیش شکوفا کرد.

زائر هر ساله امام(ع) که پیاده به پایوس می‌رفتی! یک هفته از کار و زندگی‌ات بزن و تمام وقت را وقف مولای طرد و تنهاشده‌ات کن و در انجام کار فرهنگی تلاش کن و آن قدر برایش قدم بردار تا پایت تاول بزند! همین که بتوانی یک نفر را به امام زمان (عج) وصل کنی قطعا برنده‌ای. و این را بدان؛ جامانده واقعی کسی است که زیر قبه امام حسین(ع) هم می‌رود و برای فرج دعا نمی‌کند. پس هر قدر که به امام حسین(ع) ارادت داری، برای امام حسین(ع) زمانت، حضرت صاحب‌الزمان (عج)، دعا کن. اللهم عجل لولیک الفرج.

یک زائر جامانده، اربعین ۹۹، ۵ نوبت زیارت

زائر همیشه حسینیم، هر کجا باشیم



هر سال همین روزها بود که همپای سفر به کربلا می‌شدیم و با رفقای چندساله و قدیمی راه می‌افتادیم سمت کربلا، هر بار از جاده‌ای می‌رفتیم که معروف بسود به طریق العلما، این جاده چندکیلومتری از جاده اصلی دور است و صفای دیگری دارد. یکبار در این مسیر به موکبی رسیدیم که دختر بچه‌ای عراقی خادمش بسود و از زوار پذیرایی می‌کرد. نسوای «حلابیکم، حلابیکم» که زمزمه می‌کرد، توجه ره‌گذری را جلب می‌کرد. ما هم میهمان موکبش شدیم. یکی از رفقا من باب تشکر، هدیه‌ای تقدیمش کرد و دخترک شروع کرد به خواندن روضه خانوم حضرت زقیه (س). عجیب بود یک کودک روضه کودک امام(ع) را می‌خواند؛ حال چشم‌هایمان بارانی شد. عین همین الان که عجیب دلنگن خاطرات خوب آن مسیّر شده‌ام و حتی دلم برای لحظه‌های عادی آن مسیر تنگ شده است. نمی‌دانم بوده که زائر پیاده باشید؛ بوده که دل بدهید به مسیر دلداگی و قدم بگذارید توی جاده؟ حتی خستگی و بی حالی آدم، قشنگ است به سبب اینکه می‌دانید در چه مسیری قدم برمی‌دارید و قرار است به چه سرزیمینی برسید. در کل مسیر به فکر مصیبت‌هایی هستید که به بی‌بی جانمان، حضرت زینب (س)، گذشته. هرگز فکر نمی‌کردم امکان تجربه مجدد آن حال و هوای وصف‌نشدنی و خاص برای امسال مقدور نباشد و سعادت زیارت سلب شود و چنین در حسرت بمانیم اما ناچاریم به دل سپردن به خطرات و خدمت به عاشقان اباعبدا... (ع). این است که امسال با رفقا سعی کردیم عزاداری محله‌ای راه بیندازیم و با رعایت ضوابط معین، فضای عزاداری را آماده کنیم برای مردم و با شرایط پیش آمده بسازیم تان شاه! امسال اسممان را در لیست نوکرها نوشته باشیم و برات کربلا را برای سال‌های آتی بگیریم. هر چه نباشد ما زائر همیشه حسینیم، هر کجا باشیم.

سید محمدصادق علوی نیا، ۷ نوبت زیارت



روزنامه
شهرامید
وزندگی

۴شنبه
۱۶مهر ۱۳۹۹
۱۶مهر ۱۳۹۹
شماره ۳۳۱

۵۵

↓

جامعه

عکس: محمد حسن صلاوتی | شهرآر

شهروند | افسران محترم راهور لطفا در برابر اینگونه تخلفات بی تفاوت نباشند.



شهروند | متاسفانه در یک فروشگاه زنجیره‌ای واقع در قاسم‌آباد بعد از نظافت فروشگاه با ماشین کفشوی، آب‌های آلوده را از درب پشتی رها می‌کنند روی آسفالت خیابان زیر دست و پای عابران! بهداشت پیگیری کند.



شهروند | درختان، درختچه‌ها و گلدان‌های خشک شده بلوک ۲۰ بهشت رضا و بی‌توجهی مسئولان. درها برای مردم بسته بوده؛ کارکنان بهشت رضا هم اجازه ورود نداشتند که درختان به این وضعیت افتاده‌اند؟



شهروند | دو ماه است که چرخ‌های سطل زباله در مطهری ۶۲ الماسی ۴ خراب است ولی شهرداری اقدامی نکرده است.



مقصد و مقصود اوست

... تشنه را تنها به یک کلمه در کام خشک گرداند: «مقصد و مقصود اوست» صدها سال گذشته است و هنوز اگر هزاران سال بگذرد نیز هر زانویی که در این راه به ایستادن راست می‌شود و هر قدمی که در این راه به رفتن اشاره می‌کند و هر چشمی که به مهر اشک می‌افشاند و هر دستی که به پیمان بر سینه می‌خورد، همه یک مقصد دارند؛ آستان حسین! هر سال وقتی بوی اربعین شامه عشق را می‌نوازد، گروه‌گروه از خانه و دیارشان به‌راه می‌افتادند و پیاده به‌سوی آستان حسینی می‌شتافتند، شوق دیدار به رخسارشان رنگ می‌زد و او چشم‌هایشان برق دل‌باختگی می‌جهید، همه وجودشان برای او شعله‌ور می‌شد و جز او به هیچ چیز نمی‌اندیشیدند و فقط یک کلمه می‌شنیدند؛ حسین! یک کلمه می‌گفتند؛ حسین! یک مقصد داشتند؛ حسین! همه عالم می‌شد حسین و همه راه‌ها یک مقصد پیدا می‌کرد؛ حسین! و تپش قلب‌ها جز یک مقصود نمی‌شناختند؛ حسین! را از این یگانگی در همان گوهر حکمت است که فرمود: «هن کان، کان له!» هر که تنها مال خدا شد، خدا می‌شود مال او، هر که خود را وقف خدا کرد و همه چیزش را به‌پای خدا ریخت، خدا همه عالم را وقف او می‌کند و همه چیز دنیا و آخرت را به‌پای او می‌ریزد. کسی که مقصد و مقصودش خدا شد، خداوند هم او را مقصد سفرها و مقصود دل‌ها می‌کند! او این گونه است که هر سال در اربعین، خداوند دل‌ها و دیده‌ها را به‌سوی آستان حسینی روانه می‌سازد؛ چون حسین جز خدا ندارد و چنین در اراده خدا فانی گشته و در خواسته او محو شده است؛ هر کسی هم که به‌سوی آستان حسینی روانه می‌شود، در حقیقت به‌سوی خدا گام برمی‌دارد. وقتی همه او شده است، جز خدا در حرمش نیست! وقتی همه وجودش خداست، دیگر جز خدا چیزی باقی نمانده است! او وقتی پروانه وجود حسین در شعله عشق خداوند سوخت، دیگر جز نور درخشان عزت و عظمت خداوند چیزی نمانده است که کسی بخواده به‌سویش بشتابد! کربلا چیزی جز کنار کعبه نیست و آستان حسینی چیزی جز مسجدالحرام نیست؛ چنان که مدینه و چنان که نجف! زیارت او جلوه‌ای تابناک و شکوهمند از جلوه‌های توحید است و محبت او تابشی قدسی از انوار عشق و مهر پروردگار و هر که در اربعین به‌سوی کربلا می‌رود، از هر کجا که قدم برمی‌دارد و با هر ظاهر و سیمایی که دیده می‌شود، در دل و جان خود جز یک مقصد و مقصود ندارد؛ همچنان مقصد و مقصود اوست!

اما امسال هم که

نمی‌توانیم به چنین سفری برویم، به نظر می‌رسد خود فراق زیارت اربعین باعث می‌شود که

ما قدرش را بدانیم و فکر کنیم به این ثروت و گنج، به این بهشتی که در آن حضور داشته‌ایم و برای برنامه‌ریزی و سعی کنیم در خودمان تغییر ایجاد کنیم. مهم‌ترین دستاورد سفر اربعین می‌تواند تغییر در یک‌یک آدم‌ها باشد

منشور حقوق و مسئولیت های شهر نشینی شهر مشهد (۶۹)

فصل نهم: حق بر سازمان

۹-۱- شفافیت و فناوری اطلاعات

۱۱۲ حق همه شهرنشینان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه دهنده خدمات عمومی شهری جمع آوری و نگهداری میشود دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمیتوان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت های شهرنشین شهرمشهد کلیک بر روی اسکن کنید

